

پیامدهای امنیت اجتماعی توزیع جغرافیایی اقلیت‌های دینی در تهران

تقی کاظمی‌تاری^۱، محمدتقی رهنمایی^۲ و اسماعیل علی‌اکبری^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۶/۴، تاریخ تایید: ۱۳۹۳/۸/۱

چکیده

این مقاله ضمن بررسی توزیع جغرافیایی اقلیت‌های دینی، یعنی ارمنی‌ها، آشوری‌ها، زرتشتی‌ها و کلیمی‌ها در تهران به پیامدهای امنیت اجتماعی آن تاکید دارد. برای این منظور ابتدا مباحث نظری مرتبط با موضوع مطرح شده و سپس الگوهای اولیه توزیع جغرافیایی اقلیت‌های دینی در تهران ارائه شد. بدنبال آن الگوهای کنونی توزیع جغرافیایی آنها تشریح و عوامل همگرایی و واگرایی اقلیت‌های دینی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد، پراکنش جغرافیایی اقلیت‌های دینی در تهران از انتظام فضایی خاصی برخوردار نیست. یعنی در بعضی موارد به صورت جدایی‌گزینی اسکان یافته‌اند و زندگی می‌نمایند (مثل غالب جمعیت ارمنه و برخی از جمعیت زرتشتی). در موارد دیگر به صورت پراکنده در سطح شهر تهران سکونت دارند. به‌رغم فراز و فرودهایی که اقلیت‌های دینی و رابطه آنها در طول تاریخ با حکومت داشته، از منظر امنیت اجتماعی ظرفیت‌های زیادی برای همگرایی آنها در تهران وجود دارد، که در صورت برنامه‌ریزی مناسب می‌توان این ظرفیت‌ها را از قوه به فعل تبدیل کرد و از فرصت‌های آن برای تعمیق امنیت اجتماعی بهره جست.

کلیدواژگان: اقلیت‌های دینی، امنیت، امنیت اجتماعی و تهران.

۱. دانش‌آموخته دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.

۲. دانشیار بازنشسته دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

۳. دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه پیام‌نور.

مقدمه

ایران از جمله کشورهای متکثر و برخوردار از تنوع دینی، مذهبی، قومی و زبانی و فرهنگی است و در مقایسه با ۲۰۰ کشور یا واحد جغرافیای سیاسی فعلی در جهان به طور نسبی از بیشترین گوناگونی برخوردار است. سه دین اصلی توحیدی (یهود، مسیحیت و اسلام) در ایران پیروانی دارند (قمری، ۱۳۸۴: ۱۷۴). در کنار اینها می‌توان به زرتشتیان، صائبی‌ها، سیک‌ها {و...} نیز اشاره کرد. تاریخ پر فراز و نشیب ایران، تنش‌های ناشی از تضادهای مذهبی و قومی فراوانی را در خود ثبت کرده است. ظهور بابک خرم‌دین در آذربایجان، حسن صباح در الموت و سیدعلی محمدباب در شیراز و سپس پیدایش فرقه‌های منشعب از آن را می‌توان نمونه‌های بارز چالش‌های سیاسی ادیان و مذاهب در پیکره سیاسی و اجتماعی ایران دانست. نکته حایز اهمیت اینکه، برخلاف بخش‌های وسیعی از خاورمیانه عربی که پهنه درگیری‌های دینی میان مسیحیان و مسلمانان در قالب جنگ‌های صلیبی بوده، ایران تنها در صدر اسلام با چالش حاکمیتی میان دین زرتشتی و اسلام روبرو شده است. از آن پس چالش‌های سیاسی با منشاء اعتقادی، عموماً ماهیت مذهبی برخاسته از دگراندیشی دینی از اسلام داشته‌اند. امروزه آنچه مهم است و این مقاله بر آن تاکید دارد، این است، که آیا پیروی از مذهب یا دینی دیگر به غیر از اسلام، در کشوری مانند ایران با حکومت اسلامی، می‌تواند به‌عنوان یک تهدید سیاسی و امنیتی به‌شمار آید؟ لازمه پاسخگویی به این سوال، بررسی آزمون گونه این پدیده در شهر تهران است. به این دلیل که تهران کانون تمامی فرایندهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور بوده و مناسبات حاکم بر این شهر، می‌تواند نمایه‌ای از کل کشور باشد.

بیان مسئله

در سده‌های اخیر تلقی و رویکرد ابزاری دولت‌های مقتدر و استعماری به اقوام و اقلیت‌های دینی، مذهبی پررنگ‌تر شده است. این استفاده ابزاری بیش از اینکه حاصل سیاست‌های بیگانگان باشد، نتیجه مستقیم رقابت‌های تعصب‌گرایانه پیروان ادیان و مذاهب و یا وابستگان گروه‌های قومی مختلف است. تجزیه شبه‌قاره هند به سه کشور جداگانه بر اساس اعتقادات دینی، از مهمترین تجربه‌های عملی چنین رقابت‌ها است. حتی تحولات اخیر سیاسی در شمال

آفریقا و کشورهای عربی خاورمیانه، ریشه در ساختارهای قومی و باورهای دینی و مذهبی ساکنان این کشورها دارد. آنچه که در ایران از منظر امنیت اجتماعی و سیاسی اهمیت دارد، توجه به این توان‌های بالقوه از منظر آسیب‌شناسی حکومت و تامین امنیت عمومی جامعه است. تهران به‌عنوان یک کلان‌شهر و مهمترین مرکز تجمع پیروان ادیان، بعد از مناطق تجمع اصلی آنها، پذیرای جمع قابل توجهی از ادیان مختلف از گذشته تاکنون است. شناخت صحیح گروه‌های دینی و چگونگی توزیع جغرافیایی آنها، در کنار درک میزان تاثیرگذاری آنها بر مردم ساکن در مناطق شهری تهران بزرگ به شناخت صحیح از وضعیت اجتماعی و فرهنگی آنان کمک می‌کند. حضور طیف قابل توجهی از پیروان ادیان مختلف در پایتخت می‌تواند بر امنیت شهر تهران در شرایط خاص تاثیرگذار باشد. در رسانه‌های خارجی، به‌ویژه گروه‌هایی که از نظر سیاسی خود را معارض و مخالف حکومت فعلی ایران می‌دانند، کوشش می‌شود که از قابلیت‌های تحریک‌پذیری اقوام و پیروان ادیان، به‌عنوان یک حربه سیاسی بهره‌گیری شود. بدون در نظر گرفتن ماهیت اینگونه مبارزه‌های سیاسی و بدور از هرگونه داوری درباره آنها، نگاه علمی به امنیت اجتماعی شهر تهران نیازمند ارزیابی این ظرفیت بالقوه، از بعد آینده‌نگری مسئله امنیت است.

روش تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات

با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه و چندوجهی بودن آن، در این تحقیق از روش‌های توصیفی و تحلیلی استفاده شده است و روش و ابزار گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. در این مقاله تلاش بیشتر بر آن است تا به مبانی نظری موضوع مورد مطالعه پرداخته شود و از جمع‌بندی و تحلیل آنها با تکیه بر مستندات، الگو و مدلی ناظر بر ملاحظات امنیت اجتماعی در کلان‌شهرها، خصوصاً کلان‌شهر تهران حاصل شود.

الگوهای فضایی توزیع جغرافیایی اقلیت‌های دینی در تهران

منطقه تاریخی ری به علت موقعیت خاص جغرافیایی، محل برخورد اندیشه‌ها و عقیده‌ها و باورهای گوناگون مذهبی بوده است، زیرا با قرار داشتن در مسیر راه‌های مشهور ابریشم که

شرقی‌ترین تا غربی‌ترین نقطه جهان آن روزگار را به هم پیوند می‌داد، هر نوع دیانتی از این منطقه گذر می‌کرد و در نتیجه، ناآشنایی و بیگانگی پدید نمی‌آمد. گاه نیز به دلیل سکونت گزیدن باورمندان ملل و نحل مختلف در این شهر و دوام بخشیدن به حیات مذهبی و عقیدتی خود، در یک دوره، پیروان همه آنها در یک جماعت بزرگ قرار می‌گرفتند، که به مرور نشانه‌های آن نیز در تاریخ برقرار می‌ماند. از این رو مذاهب و عقاید متعلق به منطقه، یا وارد شده در آن، بازیابی شده است. با پیدا شدن تهران در کنار ری باستان و توسعه آن و سرانجام ادغام ری در شهر جدید، منطقه مورد بحث در مسیر فرهنگی - مدنی جدیدتری قرار گرفته است (تکمیل همایون، ۱۳۸۵: ۸۳).

آثار پیدا شده از عهد باستان در ری و پهنه تهران بزرگ، و نیز نوشته‌های مورخان گذشته نشان‌دهنده اعتقادات مزداپرستی و زردشتی‌گری ساکنان منطقه و آداب و رسوم رایج در میان آنها بوده است. بسیاری از آتشکده‌های ری (بیوت النیران) در عهد اسلامی هم وجود داشته و از آنها در منابع بسیار یاد شده است و ری به گونه یک کانون موبدانشین درون ایران به‌شمار می‌آمده است (کریمان، ۱۳۵۵: ۳۴۲).

یهودیان بسیاری به دلایل اجتماعی و اقتصادی و نیز به سبب قرار گرفتن ری در مسیر راه ابریشم در این شهر سکونت داشته و دارای کنیسه‌ها و محلات و دکانین خاص خود بوده‌اند. همچنین نشانه‌هایی از سکونت مسیحیان در منطقه موجود است، اما اگر نشانی از روستای تهران و مردم آن در دست بود، به سان روستای قیطریه، آذرشیب و دیگر قصبه‌های ری و قصران، به طور یقین از زردشتی بودن مردم تهران حکایت می‌کرد.

در دوره‌های متأخر خاصه پس از پایتختی تهران به دلایل امنیتی اقلیت‌های دینی بیشتر ترجیح می‌دادند که در این شهر زندگی کنند و به همین دلیل از همان آغاز کلیساها و کنیسه‌ها و آتشکده‌های زردشتی در تهران پایتخت بنا گردید، که هنوز هم به کوشش‌های دینی خود ادامه می‌دهند (تکمیل همایون، ۱۳۸۵: ۸۵ و ۸۴). در ادامه الگوهای اولیه و کنونی توزیع جغرافیایی اقلیتهای دینی در تهران تشریح خواهد شد.

الف. الگوهای کلی اولیه توزیع جغرافیایی اقلیتهای دینی در تهران:

۱. الگوی اولیه توزیع جغرافیایی زرتشتیان در تهران: از دوره قاجار تا دهه ۱۳۴۰ ه.ش توزیع

جغرافیایی زرتشتیان در تهران به شرح زیر بوده است:

- سرای مشیر خلوت بازار به عنوان مرکز تجاری
- اطراف سفارت انگلیس^۱ به عنوان مرکز سیاسی
- جمalzاده (جمشیدآباد)، یوسف‌آباد، امیرآباد و تهران‌پارس به‌عنوان مراکز سکونتگاهی (پرخیده، ۱۳۸۹).

۲. الگوی اولیه توزیع جغرافیایی آشوریان و کلدانی‌ها در تهران: آنهایی که وضعشان خوب

بود حوالی خیابان جمهوری، بلوار کشاورز، خیابان انقلاب، حشمت‌الدوله و چهارراه کالج ساکن شده بودند. آنهایی که از تمکن مالی پایین‌تری برخوردار بودند در حوالی خیابان خرمشهر، خیابان سینا، خیابان کمالی، خیابان غفاری، خیابان امیرآباد شمالی و امیرآباد جنوبی - حول و حوش دو کلیسای حضرت مریم و کلیسای بزرگ شرق - سکونت داشتند.

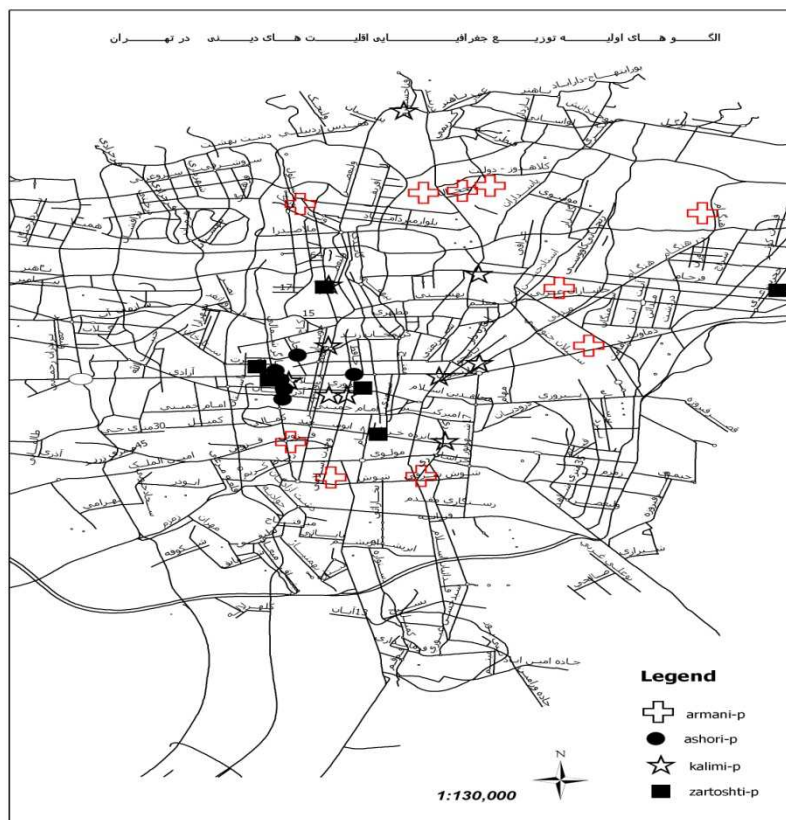
۳. الگوی اولیه توزیع جغرافیایی ارمنی‌ها در تهران: ابتدای شکل‌گیری سکونت آرامنه در

تهران همزمان با پایتخت شدن تهران در زمان آغامحمدخان قاجار می‌باشد که قبل از آن فقط دو خانواده‌ی ارمنی در این شهر نه چندان مهم سکنی داشتند. شاه قاجار عده‌ای از آرامنه‌ی قره‌باغ را در جریان فتح تفلیس و گرجستان به تهران کوچانید و در حوالی دروازه قزوین و شاهپور سابق یا وحدت اسلامی فعلی جای داد. فتحعلی‌شاه نیز تعدادی پیشه‌ور به‌ویژه شیشه‌بران را برای شرکت در امر ساختمان کاخ‌های سلطنتی به تهران آورد و در جنوب شهر در کنار دروازه حضرت عبدالعظیم جای داد. این جریانات مهاجرتی، با آمدن صاحبان پیشه از قبیل زرگران، درودگران، دوزندگان، مترجمان، بازرگانان و کارکنان اداری آشنا به زبان فرانسه، اسلحه‌سازان و شراب‌گیران از نقاط مختلف ایران و ارمنستان به تهران سرعت گرفت و در محلات یاد شده ساکن شدند. بر طبق مدارک خلیفه‌گری اصفهان در ابتدای سلطنت ناصرالدین‌شاه ۳۱۰ نفر ارمنی ساکن تهران بودند و شهر تهران در اواخر حکومت ناصرالدین‌شاه حدود ۱۵۰ هزار نفر جمعیت

۱. سفارت انگلیس در شمال خیابان جمهوری و غرب خیابان فردوسی واقع شده است.

داشت و تعداد هموطنان مسیحی ارمنی به ۱۵۰۰ نفر رسیده بود که دارای دو کلیسا، یک مدرسه و یک کتابخانه عمومی بودند. در ابتدای جنگ جهانی دوم دیگر هیچ ارمنی در محلات جنوبی شهر حضور نداشت و همگی به نیمه شمالی بین خیابان امام‌خمینی یا سپه سابق و آیت‌الله طالقانی یا تخت‌جمشید رفته بودند. پس از جنگ موجی از روستائیان ارمنی از سراسر کشور مخصوصاً فریدن اصفهان، چهارمحال و بختیاری و ساوه و خرقان به تهران سرازیر شدند و در محله‌های حاشیه‌ای بهجت‌آباد که خارج از شهر قرار داشت سکونت گزیدند. یک دهه بعد همه‌ی آنها به محله‌های نوساز شرقی و شمال‌شرقی رفتند. در دهه‌ی ۱۳۴۰ موج دیگری به تهران رسیدند که همگی آنان در کوی مجیدیه و وحیدیه و نارمک ساکن شدند. ناگفته نماند در دوره‌ی قاجار برخی از آنان در محلات و به عبارتی در روستا و بیلاقات اطراف تهران مثل ونک، خوردین، دروس، قلهک، زرگنده، منصورآباد، شیان، تلو و بومهن ساکن شدند (اصغرزاده شبستری، ۱۳۸۲: ۵۳).

۴. الگوی اولیه توزیع جغرافیایی کلیمی‌ها در تهران: به‌طوری که نقشه‌های قدیمی تهران نشان می‌دهند، مرکز اولیه اسکان یهودیان در تهران منطقه اودلاجان بوده و به صورت گتونشینی زندگی می‌کردند. ولی بعدها به نقاطی مثل شیخ‌هادی و حافظ نیز کشیده شدند و رفته‌رفته از حالت گنو خارج شده و در نقاط مختلف تهران گسترش یافته‌اند به‌طوری که تا قبل از انقلاب اسلامی علاوه بر نقاط مورد اشاره در بالا به محلات یوسف‌آباد، خیابان گرگان، میدان ولی‌عصر، پل چوبی، خیابان انقلاب به سمت دانشگاه تهران، سید خندان و تجریش گسترش یافته و ساکن شده‌اند (کار میدانی).



ب. الگوهای کنونی توزیع جغرافیایی اقلیت‌های دینی در تهران:

۱. الگوی کنونی توزیع جغرافیایی زرتشتیان در تهران

اکنون مرکز سیاسی، دینی و فرهنگی زرتشتیان در خیابان میرزا کوچک خان، کوچه زرتشتیان و کیخسرو شاهرخ واقع شده است. البته یک آدریان در رستم باغ تهرانپارس، یک انجمن محلی در یوسف‌آباد و یک قبرستان در قصر فیروزه (شرق تهران - پشت باشگاه تختی) قرار دارد. اما از نظر سکونتگاهی بیشترین تجمع زرتشتیان در امیرآباد، یوسف‌آباد، کریم‌خان و تهرانپارس واقع شده است. ولی در کل شهر تهران به صورت پراکنده زندگی می‌کنند. در تهرانپارس علاوه بر اینکه به صورت پراکنده حضور دارند در ضلع جنوب‌شرقی فلکه دوم تهرانپارس در محلی محصور به نام رستم‌باغ به صورت جدایی‌گزینی حدود صد خانوار زرتشتی زندگی می‌کنند (کار میدانی).

۲. الگوی کنونی توزیع جغرافیایی آشوریان و کلدانی‌ها در تهران:

اسکان از اوایل انقلاب تا کنون: از جمعیت ۸۰۰۰۰ نفری آشوریها در ایران بخاطر مهاجرت به آمریکا و کشورهای غربی، به دلایل مختلف مانند: جنگ تحمیلی، شغل و امنیت ذهنی، در فاصله یک دهه تقریباً ۳۰۰۰۰ نفر از ایران مهاجرت کردند. البته با شرایط دشوار، چون در غرب با آنها همکاری نمی‌کردند. این گروه از جمعیت غالباً متمول بوده‌اند و سرمایه‌شان را از کشور خارج کردند. در نتیجه این مهاجرت یک جابجایی جمعیت در شهر تهران ایجاد شد. که به دلیل فشارهای ناشی از تعصبات مذهبی مسلمانان افراطی، جمعیت جنوب تهران به سمت نواحی مرکزی و حوالی شمالی خیابان آزادی - مناطق ستارخان، صادقیه، امیرآباد شمالی، کوی نصر، شهرآرا، میدان توحید جابجایی سکونتگاهی پیدا نمودند و این روند تدریجی در دهه دوم انقلاب روی داد. از دهه دوم انقلاب اسلامی آنهایی که متمول بودند گروهی مهاجرت کردند و از کشور خارج شدند و گروهی دیگر که مانند به مناطق شمالی‌تر تهران مانند سعادت‌آباد، شهرک غرب، جردن، کوی نصر، پونک، سهروردی و پاسداران نقل مکان کردند. این رویداد ضربه‌ای به مرکزیت تجمع آشوریها و کلدانی‌ها از مرکزیت انجمن آشوریهای تهران و مدارس آشوری بود که این مناطق جدید که مدرسه نداشتند بچه‌های آشوری در مدارس مسلمانان درس می‌خوانند. این وضعیت تا الان ادامه دارد. وقتی محل سکونت اینها از کلیسا دور می‌شود، کمتر به کلیسا می‌آیند و کمتر در برنامه‌های گروهی، اجتماعی و مرکز تجمع آشوریها شرکت می‌کنند (صلیبی، ۱۳۸۹).

مرکز فرهنگی در قبل از انقلاب:

۱. بت (خانه) خوید (وحدت - اخوت): میدان توحید، خیابان توحید، خیابان فرصت شیرازی، روبروی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران. این خانه اخوت مرکز تجمع فرهنگی - اجتماعی جوانان آشوری و کلدانی بوده است.

۲. انجمن آشوریان تهران: میدان انقلاب، امیرآباد جنوبی، خیابان سزاوار، روبروی ژاندارمری. بزرگترین مرکز رسمی و اداری امور آشوری‌ها و کلدانی‌های تهران در رابطه با مراکز حکومتی بود. اگر حکومت نامه‌ای می‌خواست بدهد با اینجا تماس می‌گرفت. اوایل دهه سوم انقلاب،

ساختمان انجمن آشوریان تهران فروخته شد و به زمین تحت مالکیت آشوریان در بلوار آیت‌الله کاشانی، شهر زیبا، خیابان مخابرات منتقل شد. حدود ۵ سال قبل از انقلاب از طرف دولت پهلوی یک قطعه زمین بزرگی در ناحیه شهر زیبا به تلاش نماینده وقت آشوری‌ها و کلدانی‌ها در مجلس شورای ملی (آقای دکتر ویلسون بیت منصور) از دولت وقت گرفتند و همان زمان یک اعتباری تخصیص داده شد یک مجتمع آموزشی بزرگ برای تحصیل دانش‌آموزان تحت عنوان مجتمع آموزشی سوسن در آنجا بنا شد. الان انجمن آشوریان تهران در آن واقع شده است.

مرکز انجمن آشوری‌های شرق که در حال حاضر، در این مکان دفتر نماینده آشوری‌ها، دفتر نماینده آشوری‌ها و کلدانی در ایران، دفتر اتحادیه جهانی آشوری‌ها و شاخه آسیایی آن، گروه جوانان آشوری وابسته به اتحادیه جهانی آشوری‌ها، کمیته بانوان آشوری، پارک تفریحی میلتن منطس، سالن بزرگ اجتماعات ویلیام دانیال و چند سالن اجتماعات کوچک دیگر و باضافه فضاهایی برای برگزاری نمایشگاهها، فعالیت‌های هنری و گروه کر در این مکان مستقرند. در واقع امروز انجمن آشوری‌های تهران بزرگترین مرکز تجمع آشوری‌ها در فعالیت‌های خود محسوب می‌شود و یک ارگان دولتی واسط بین جامعه آشوری و نظام حکومتی است (کار میدانی).

قبل از انقلاب در تهران تعداد جمعیت آشوری‌ها و کلدانی‌ها بالغ بر ۲۰۰۰۰ نفر می‌شد. الان در سطح شهر تهران تعداد آنها حدود ۲۵۰۰ نفر برآورد می‌شود (صلیبی، ۱۳۸۹).

در کل کلیساهای مختلفی که آشوری‌ها و کلدانی‌ها در سطح شهر تهران دارند به شرح زیر می‌باشد:

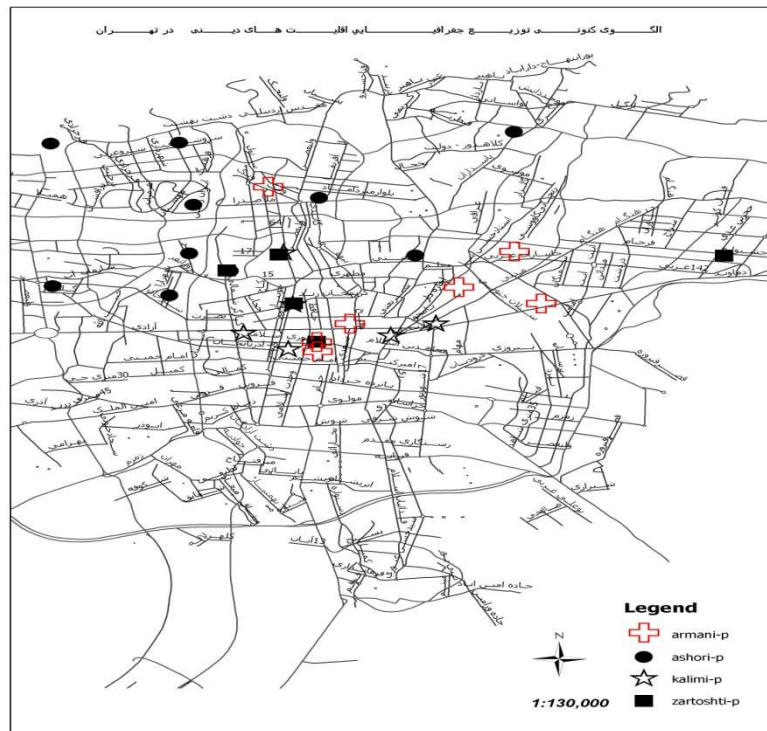
- کلیسای شرق آشوری (کلیسای مادر) هم دینی و هم سیاسی (ملی) ۱- کلیسای بزرگ و اصلی در خیابان امیرآباد جنوبی، بیمارستان روزبه، کوچه آقابابازاده؛ ۲- کلیسای کوچک در میدان سپاه خیابان سرباز می‌باشد.
- کلیسای آشوری کلدانی، کاتولیک اینها تابع واتیکان به رهبری پاپ بندیکت شانزدهم هستند، ۱- کلیسای بزرگ در خیابان انقلاب، خیابان فرصت؛ ۲- کلیسای دوم کلیسای حضرت مریم در خیابان خرمشهر نرسیده به خیابان سینا (جنوب شهر نزدیک خیابان کمالی) می‌باشد.
- کلیسای پروتستان (حضرت تومای رسول) در خیابان امیرآباد، نزدیک پمپ بنزین می‌باشد. مقر اینها در انگلیس است اینها فقط کشیش دارند و سراسقف ندارند.

- کلیسای برادران پنطیکاستی در شهرآرا، جنب اداره گذرنامه می‌باشد. اینها هم فقط کشیش دارند و سراسقف ندارند.

رهبر آشوریهای کلیسای شرق عالیجناب ماردن خای چهارم که لقب ایشان پاتریاک می‌باشد است. این کلیسا یک کلیسای دینی و ملی است و اصل آیین کاتولیک رو رواج می‌دهد (کار میدانی).

۳. **الگوی کنونی توزیع جغرافیایی ارمنی‌ها در تهران:** الگوی کنونی توزیع جغرافیایی ارمنی‌ها در تهران تقریباً با قبل از انقلاب تفاوتی نکرده است. به طوری که اکنون در محلات ونک، مجیدیه، وحیدیه و حشمتیه به صورت جدایی‌گزینی و همین‌طور به صورت نادر در برخی نقاط دیگر تهران مثل خیابان بهار و خیابان جمهوری به شکل پراکنده زندگی می‌کنند. الان جمعیت ارمنی‌های تهران حدود ۵۰۰۰۰ نفر برآورد می‌شود. در مجموع جمعیت کل ارمنه ایران ۱۵۰۰۰۰ نفر برآورد می‌شود، در صورتی که این رقم در قبل از انقلاب ۲۵۰۰۰۰ نفر برآورد می‌شد. عمدتاً ارمنه به دلایل مختلف به کشورهای آمریکا، ارمنستان، انگلیس، کانادا، آلمان، دانمارک و استرالیا مهاجرت می‌نمایند (تحقیق میدانی). در جوار کلیسا در مناطق ارمنی‌نشین پرجمعیت مدارس و موسسات و انجمن‌های فرهنگی، ورزشی، محلی، اجتماعی و خیریه واقع شده است. ارمنه در تهران ۲۹ باشگاه و سازمان و ۲۵ مدرسه دارند (کار میدانی).

۴. **الگوی کنونی توزیع جغرافیایی کلیمی‌ها در تهران:** اکنون مرکز اولیه و مهمترین نقاط اسکان کلیمیان تهران در یوسف‌آباد و حواشی میدان ولی‌عصر می‌باشد. ولی علاوه بر این در خیابان گرگان، پل چوبی خیابان انقلاب حواشی دانشگاه تهران و بعضاً به صورت پراکنده در سایر نقاط زندگی می‌کنند. محل استقرار انجمن کلیمیان نیز در ابتدای خیابان شیخ هادی نزدیک خیابان جمهوری است (کار میدانی).



تجزیه و تحلیل

با توجه به مطالبی که در این تحقیق بیان شد می‌توان گفت علی‌رغم وجود واگرایی‌هایی که در ارتباط با اقلیت‌های دینی در تهران وجود دارد از جمله: ۱. عدم تجانس و همگنی کامل به لحاظ فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیکی، البته این مسئله در برخی اقلیت‌ها مثل کلیمی‌ها از شدت بالاتری برخوردار است که این امر انسجام ملی را می‌تواند در معرض آسیب قرار دهد. ۲. تفاوت حقوقی میان اقلیت‌ها و مسلمانان، به‌عنوان مثال اگر در یک خانواده از هر کدام از اقلیت‌ها، یک نفر مسلمان شود محق است همه ثروت خانواده را به ارث ببرد. یا اگر یک نفر از اقلیت‌ها مرتکب قتل یک مسلمان شود، در شرایطی ممکن است قصاص شود، اما عکس آن صادق نیست. ۳. مقررات و احکام اسلامی مربوط به حجاب زنان و روابط بین زن و مرد و... یکسری عوامل همگرا نیز وجود دارد که شامل: ۱. سرزمین، تاریخ، نماد و اسطوره‌های مشترک با جامعه اکثریت؛ ۲. بسیاری از سنت‌ها و فرهنگ‌های مشترک با جامعه اکثریت؛ ۳. اراده باهم زیستن و

زنده نگهداشتن برخی میراث‌های مشترک با جامعه اکثریت؛ ۴. برخی از آرمانهای سیاسی مشترک با جامعه اکثریت؛ ۵. علی‌رغم این که تعداد جمعیت آنها کم است ولی هرکدام از این اقلیت‌ها دارای نماینده در مجلس شورای اسلامی هستند؛ ۶. آزادی در انجام مراسم مذهبی اقلیت‌ها و داشتن امنیت در محیط جمهوری اسلامی و... می‌باشد و در مجموع توزیع جغرافیایی اقلیت‌های دینی در سطح شهر تهران بیانگر اینست که غالب جمعیت اقلیت دینی به مرور زمان از حالت گتونشینی و جدایی‌گزینی خارج شده و جذب جامعه اکثریت شده‌اند. علاوه بر این، به مرور زمان اوضاع و احوال معیشتی اقلیت‌های دینی بهبود یافته است، به‌طوری‌که از نقاط جنوب شهر به نقاط بالای شهر نقل مکان نموده‌اند. در ضمن مقر جهانی برخی از اقلیت‌ها مانند آشوریان در تهران است، در صورتی که از نظر قومی، خاستگاه اصلی این اقلیت در عراق می‌باشد، ولی در آنجا احساس امنیت نمی‌کنند و یا از نظر جمعیتی تعداد جمعیت آشوریان جهان در آمریکا قابل توجه است. با همه اینها، با توجه به اینکه تعداد آنها در ایران قابل توجه نیست ولی انتخاب مقر آشوریان جهان در تهران را می‌توان بیانگر احساس امنیت مناسب آنان در ایران (تهران) دانست. یعنی در واقع این اقلیت‌ها خود را بخشی از اجتماع جامعه ملی ایرانی می‌دانند. بنابراین عوامل اجتماعی مهمترین عوامل تاثیرگذار بر توزیع جغرافیایی اقلیت‌های دینی در شهر تهران محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

مطابق با هر سه نظریه امنیتی مطرح شده (پوزیتیویست‌ها، سازه‌انگاران و پست پوزیتیویست‌ها) امنیت اجتماعی برای اقلیت‌های دینی ساکن تهران وجود دارد ضمن اینکه از سوی این اقلیت‌ها نیز برای جامعه اکثریت، تهدید و یا آسیب جدی متصور نیست، بلکه آنها همواره جز اجتماع ملی جامعه ایرانی محسوب می‌شوند. به‌رغم وجود مسائل، مشکلات و آسیب‌هایی در ارتباط با گوناگونی دینی - مذهبی در شهر تهران که تشدید و تعمیق آنان می‌تواند مخاطره‌آمیز و یا نگران‌کننده باشد، اما وجود برخی زمینه‌ها در صورت برنامه‌ریزی مناسب قابلیت مبدل شدن به فرصت برای کلیت نظام را داراست. در یک نگاه کلی اهم این مقولات را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱. وجود عناصر و مؤلفه‌های مشترک ملی، تاریخی و هویتی با کلیه اقلیت‌های دینی از جمله عواملی است که می‌تواند در شکل‌گیری هویت جمعی ایرانی نقش بی‌بدیلی ایفا نماید. تاریخ مشترک تمامی اقلیت‌های دینی تحت نام ملیت ایرانی، زبان پارسی که در عمق تمام اقوام و ادیان ریشه دوانیده، اسطوره‌های مشترک و قهرمانان و شخصیت‌های ملی مشترک و بالاخره هویت ایرانی از جمله عناصر پیوند دهنده‌ای هستند که همگرایی را ممکن و روند واگرایی را در مواجهه با این عناصر پیونددهنده و از نظر ارزشی بسیار ارزشمند با مشکل روبه‌رو می‌سازد.
۲. نابسامانی‌ها، ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در کشورهای دیگر که اقوام و مذاهب هم‌ریشه در آن سکنی دارند از جمله فرصت‌های بسیار مناسبی است که نه تنها روند قوم‌گرایی و مذهب‌گرایی را محدود می‌کند، بلکه استفاده مناسب از آن در افزایش سطح امیدواری مردم و تقویت پیوندهای ملی بسیار مؤثر است.
۳. ایجاد بسترهای مشارکتی در عرصه‌های متعدد از جمله فرصت‌های مناسبی است که با ایجاد ذهنیت مثبت می‌تواند در برانگیختن حس تعهد مردم، ایجاد انگیزه و افزایش امید به آینده مؤثر افتد. مسدود بودن راه‌های مشارکت مردم همان‌طوری که شرح آن رفت به بیگانگی سیاسی و احساس حاشیه‌ای بودن که از مهمترین عوامل گسست اجتماعی سیاسی است، منتهی می‌شود. سوابق چند دهه اخیر گویای آن است که مردم با اقوام و مذاهب مختلف از آمادگی قابل ملاحظه‌ای برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و ... برخوردارند، بی‌توجهی به این امر می‌تواند مخاطرات، تهدیدها و آسیبی‌هایی را در پی داشته باشد.
۴. وجود قابلیت‌ها و زمینه‌های مناسب اقتصادی، فرصت‌های مناسب جذب امکانات، توان و نیروی انسانی اقوام و مذاهب گوناگون است. استفاده از این امکانات با توجه به مزیت‌های نسبی ضمن آنکه به رشد و توسعه ملی یاری می‌رساند، می‌تواند در افزایش وابستگی اقتصادی - اجتماعی آنها مؤثر باشد.

کتابشناسی

۱. اختیاری، دکتر اسفندیار (۱۳۸۹)، نماینده زرتشتیان ایران در مجلس شورای اسلامی، مصاحبه حضوری، تهران؛
۲. اصغرزاده شبستری، جواد (۱۳۸۲)، نظری گذرا به تاریخ اسکان ارمنه در تهران، ماهنامه کلک-شماره ۱۴۴، تهران؛
۳. پرخیده، بوذرجمهر (۱۳۸۹)، کارشناس تاریخ معاصر زرتشتیان، مصاحبه حضوری، تهران؛
۴. تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۵)، تهران- از آغاز تا دارالخلافه ناصری- جلد یکم چاپ سوم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران؛
۵. حمای لاله‌زار، دکتر یونس (۱۳۸۹)، کارشناس کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان کشور - مصاحبه؛
۶. سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۳)، معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛
۷. صلیبی، دکتر ژاسنت (۱۳۸۹)، دکترای روانشناسی تربیتی و عضو هیئت علمی و استادیار پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی، مصاحبه حضوری، تهران؛
۸. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)، نظریه‌های امنیت. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛
۹. قمری، داریوش (۱۳۸۴)، همبستگی ملی در ایران، موسسه مطالعات ملی-انتشارات تمدن، تهران؛
۱۰. کاظمی تاری، تقی (۱۳۸۹): جنبه‌ها و ابعاد امنیتی اقوام و مذاهب، مرکز تالیف کتابهای درسی معاونت تربیت، آموزش و فرهنگ پاسداری سپاه، تهران؛
۱۱. کریمان، حسین (۱۳۵۵)، تهران در گذشته و حال، دانشگاه ملی، تهران؛
۱۲. ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، چهره متغییر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران؛
۱۳. مرادپور، میترا (۱۳۸۹)، مسئول پاسخگویی به سوالات دینی آدریان تهران، صاحب‌حضوری؛
۱۴. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران؛
۱۵. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۴)، چندگانگی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی، نشریه معاونت اجتماعی ناجا، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم، تهران؛
۱۶. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵)، تأملی نظری در امنیت اجتماعی با تأکید بر گونه‌های امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره اول، تهران؛
۱۷. هویان، آندرانیک (۱۳۸۹)، مصاحبه تلفنی - پاییز ۱۳۸۹؛

18. Balzacq, Thierry, (2005), "The Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience Economic Order", Security Dialogue;
19. Fisher, Dietrich, (1993), "Non military Aspect of Security";
20. Kilgour, John, (2009), "Social Security and the Public Sector", Compensation Benefits Review;
21. Neocleous, Mark, (2006). "From Social to National Security: On the Fabrication of";
22. Sørensen, Georg, (2006). "What Kind of World Order? A Response to Critics", Cooperation and Conflict: Journal of the Nordic International Studies Association and Context. European Consortium for Political Research.